

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش حریف خانه و گرمابه و گلستان باش
گره ز تلخی ایام بر جبین مفکن به روز حادثه مردانه وار خندان باش

پیشنهاد نهایی دوستانه خدمت دوستان عزیز :

- 1- محترم داکتر خوش نظر " پامیرزاد "
- 2- محترم علی شاه " صبار "
- 3- محترم معاون سر محقق خیر محمد " حیدری "

از سوی تحصیل کرده های شغنان مقیم کانادا:

- 1- مذهب شاه ظهوری
- 2- قوت نیرو
- 3- نور علی دوست
- 4- پوهندوی نصرالدین پیکار

متمم پوهندوی نصرالدین پیکار

دوستان صاحب نظر، خامه پردازان، شعرا، نویسندگان، فرهنگیان، چکامه نویس، داستان سرا، اهل قلم و قدم، تحصیل کرده ها، هوا خواهان و شایقین تدوین و ترتیب نظام نگارشی و سیستم رسم الخط زبان، ادبیات، فرهنگ و تهذیب سرزمین نازنین و زیبای شغنان افغانستان، سلام و کلام مشحون و مملو از عشق، محبت و صداقت نثار تک تک شما باد !!

آنگونه که همه شما خبره گان آگاهی دارید، به دنیا آمدن خیلی ها به هنگام سایت وزین " سیمای شغنان " ، با پالیسی نهایت تعهد گرایانه ، و وافی به آرمانها و تقدسات تاریخی، فرهنگی و باور های دینی، مردمان آن مرز و بومی که شما همین اکنون در آن جا جسماً و روحاً مقیم هستید، بخاطر قرین سازی همه شغنانی ها، زیر یک سایبان واحد وحدت قومی و مردمی، اجتماعی و فرهنگی، که خواست آفریدگار این کائنات مشترک و نافع بوده ، و هدایت عقلانی و انسانی پیشدادیان ما را نیز در پی دارد، به مثابه دریچه امید و رهایی از غفلت و اختلاف، پا به عرصه هستی گذاشت.

از زندگی این نوزاد، روزی چندی نگذشته بود که موضوع خیلی ها داغ و مبرم تدوین و ترتیب الفبای زبان شیرین و **خهر خورنونه** از طرف علاقه مندان، شخصیت های اهل نظر، افراد مسلکی و حرفوی، نیمه مسلکی و نیمه حرفوی، شعرا، نویسندگان، مهندسين، دام پزشکان، علاقه مندان تاریخ، زبان دان ها، و زبان شناس ها، و سایر افراد و اشخاص صاحب علاقه، داغتر از مسئله سیاسی افغانستان، با صداقت خیلی ها بزرگ، مطرح شده بود.

همه دوستان میدانند که برخی از شخصیت های فرهنگی ما، که فرزندان شغنان زمین هستند، با استفاده از قوانین مطروحه دولت جمهوری اسلامی افغانستان، به منظور انجام خدمات شایسته فرهنگی و تاریخی برای مردمان سرزمین خویش، دست بدست هم داده و در تدوین و ترتیب الفبای زبان شغنانی، با امکانات دست داشته محدود شان و تا حدی هم به شیوه عجولانه و خلاف روحیه کار کرد های دسته جمعی و همگرایی و تکیه بر بنیاد صلاحیت های فردی، داخل اقدام عملی شدند. نه تنها آنهایی که بیرون از کشور قرار داشتند از این اقدام مثبت و با ارزش آگاهی نداشتند، بلکه برخی از شخصیت ها، افراد و اشخاص صاحب نظری هم که در داخل کشور قرار داشتند، در جریان گذاشته نه شده اند، و اگر هم در جریان قرار گذاشته شده بودند، نیز حرف های شان گویا شنیده نه شده است، آنگونه که از طریق برخی نوشته ها آگاهی حاصل نمودیم. اکنون این موضوع اصلی کاری همه ما را تشکیل نمیدهد، و نباید هم بدهد، زیرا آنچه که سپری شده است، و کار بجایی رسیده است که باید هم میرسید، و به هر گونه ای که رسیده است، تا حدی قابل قدر و تقدیر است، و هیچکدام ما صلاحیت بازپرس، تحقیق و تدقیق آن را نداریم.

ما کسانی که در بیرون از کشور قرار داشتیم و داریم، هر گز هدفی نداشتیم و هر گز نخواهیم داشت که برای دوستان آنجایی که در زمینه کار کردهایی دارند، درد سری را ایجاد کنیم، بلکه مقصد اساسی ما این بود، تا بر مبنای اخلاق اکادمیک و علمی، و داشته ها و اندوخته های مان که در مدت زمانی خیلی زیاد در اختیار ما قرار گرفته اند، در اختیار دوستان آنجایی قرار دهیم تا باشد مردم ما، و به ویژه دانش آموزان آن محیط بیچاره که تا هنوز با زبان فارسی دری بلدیت درست ندارند، و اگر چیزی هم در اختیار شان من حیث مواد آموزشی قرار گیرد، آنها هم از زاغ و هم از رزاق، بی بهره نشوند، با وصف آنکه ما بر دوستان خویش اعتماد داشتیم و داریم، ولی به این فکر شدیم که شاید از افکار ثلاثه، بینش اربعه و خمسه بهتر باشد.

اکنون همه نظریات، پیشنهادات، تبصره ها، آرایش ها و پیرایش های زبانی، نحوی، آواشناسی، دستور زبان، و غیره توسط همه افراد بدون آنکه، کی دارای کدامین صلاحیت و ظرفیت زبان شناسانه است، در میدان مبارزه و مجادله گذاشته شدند، که حتی برخی ها، بدون اینکه موضوع الفبا را یک سره کنیم و به یک نتیجه واحد برسیم، همه ما را به شیوه

نگارش، املا و انشاء، دستور گرامری زبان به چالش گرفتند و بار مجدد دوره های خیلی دور فرآیند آموزشی دبیرستان را در خور ما دادند که از ایشان هم باید اظهار سپاس نماییم. **میگویند: " در خانه اگر کس است، یک حرف بس است."** همه گفتند و شنفتند و ما شنیدیم، ما گفتیم و نوشتیم و دیگران شنیدند و نوشتند. هیچ کسی باقی نمانده که نگفته باشد و یا هم نه نوشته باشد، همه طرحها را دیدیم و شنیدیم، و شناختیم و درک کردیم. همه جار و جنجال ها روی **کورپه (لحاف) ملا نصرالدین است**، و آن عبارت از الفبای زبان شغنانی است در شرایط فعلی، و آنها فقط سه حرف گویا دشوار آفرین هستند که دوستان در نوشته های شان بازتاب داده اند، نه دستور و نه هم املا و انشاء، که موضوع بعد تر از ساختار و تدوین الفبای زبان خواهد بود.

آخرین برگه ای که در اختیار دوستان قرار گرفته است، محصول زحمات فراوان دوست عزیز، دوکتورانت نور علی دوست است که از طریق بنیاد ایران پژوهی سهروردی، تهیه و تدوین گردیده که تفاوت خیلی ها کم با نظریات دوستان دارد و آنها در یکی دو حرفی یا نویسه ای، که صفحه سیمای شغنان را مزین ساخته و ذهن ما را هم روشن تر خواهد ساخت. با نظریات و دیدگاه های مهندس اسرار نیز به گونه متداوم، آشنایی حاصل نمودیم، و آخرین مشوره های شان را نیز در مورد موجودیت نویسه های مختلف و کم یاب در حافظه کامپیوتر، با ما سخاوتمندانه سهیم ساختند.

محترم قوت نیرو نیز همواره از داشته های شان ما را بی بهره نگذاشتند و همواره نظریات و مشوره های نیک شان را در اختیار دوستان قرار دادند. با نظریات و پیشنهادات محترم مذهب شاه ظهوری نیز از قبل آشنایی داشتید و به ویژه در جوابیه های شان به آقای ثابتی و قوت نیرو، نیز بسا چیز ها را دریافته باشیم. و من هم بعضاً جسارت نموده و فهم خود را با شما عزیزان در میان گذاشتم، که بعضاً شخص اول مقصر در راه اندازه اعتصابات زبانی هم شناخته شده ام.

و فرجامین سخن اینکه، از این به بعد نباید دیگر وقت خود، و دیگران را با نوشته های مکرر، پرسش و پاسخ، و نظریات به هدر دهیم، بحد کافی گفتیم و نوشتیم، کاروانی که با ما یک جا آغاز سفر کرده بود، شاید به سر منزل مقصود رسیده باشد و ما هنوز در آغاز سفر قرار داریم و هراس داریم که شاید هرگز آماده سفر نشویم. به اوزبکی مثل عامیانه است که میگویند: **شو ایه منم و غل توغنی یاغ**، به این معنی که: **این سیاه سری را که من می شناسم قابلیت بدنیا آوردن بچه را ندارد.**

اکنون وظیفه دست اندر کاران و عاملین تدوین و ترتیب الفبای زبان شغنانی و کتب درسی ای که در اختیار شاگردان قرار داده شده اند تا مورد استفاده قرار گیرند، است که:

1- بدون آنکه چقدر به زحمت خواهند شد، باید با استفاده از نظریات، پیشنهادات، طرح ها و بینش دوستان با یک شهامت بزرگ دست بدست هم داده و در اصلاح همه کارکرد های نیمه راه گذشته اقدام ورزند، زیرا بهتر است اشتباهات خویش را همین اکنون اصلاح کنیم، بجای آنکه با آنها به داخل کلاس های آموزشی رویم، و کاستی های خویش را بر کرده دانش آموزان و مردم خویش تحمیل کنیم، و برای همیشه آنها را با دشواری فرآیند آموزشی سر دچار سازیم.

2- اگر صلاحیت و امکاناتی داشته باشند، باید حد اقل سمینار یک هفته ای را به اشتراک آنهایی که صاحب صلاحیت در زمینه هستند، سازمان دهی کنند، اگر با بیرونی ها نمیتوانند در تماس شوند و یا بهره گیرند، نیز قابل تشویش نخواهد بود، زیرا با همه داشته های مان دیگر آشنا هستند.

3- و اگر این هردو گزینه قابل تطبیق نیستند و نظر دوستان چنین باشد که باید خاموش باشند، و هر چه دیگران بگویند خود را به کوچه حسن چپ بزنند و هیچ کاری را در زمینه بسر نرسانند، به خود، به معارف، و کودکان شغنان جفا خواهند کرد.

4- پیشنهاد جدی برای دوستان دست اندر کار این است که : با در نظر داشت کار کرد ها و زحمات قبلی شان در زمینه، و با استفاده از نظریات و طرح های دوستان بیرونی، به ویژه از کانادا، و جرمنی، یک بار دیگر زحمت را قبول کرده و در ساختار الفبای شان تجدید نظر نموده و پیشنهادات اصلاحی دوستان را ضمیمه ساخته ، توحید نموده و به مقامات عالی معارف افغانستان جهت تجدید نظر تقدیم نمایند تا باشد یک اقدام ثانی بهتر و شایسته تر، صورت گرفته باشد، در غیر آن برای همیشه در دریای بی تفاوتی و هراس در شنا خواهند بود، و مسؤلیت عام و تام، خوبی و خرابی، کاستی و کمی، حق بجانب بودن و نا حق بودن، بدوش آنها خواهد بود و مورد داوری و قضاوت مردم و نسل جوان آینده قرار خواهند گرفت ، که در آن وقت وزارت معارف افغانستان نیز به کمک و یاری شان نخواهد شتافت و ما ها نیز از ایشان دور هستیم و دست مردم نیز به یخن ما نخواهد رسید، زیرا ما مسؤلیت میهنی، وجدانی، کلامی و مسلکی خود را در برابر آنها و شما ادا نمودیم .

به این بهانه دری از بهشت باز کنید
همیشه کیف ز گلبانگ اهل راز کنید

ز مهر دست تعاون به هم دراز کنید
نوی مطرب دوران به گوش می آید

تو خوشنود باشی و ما رستگار

خدا یا تو آن کن که انجام کار